

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای ام‌المؤمنین و فاطمه علیهما السلام

در قرآن و احادیث

دوره دوازدهم، شماره پنجم

نام جزوه : سیمای امیرالمؤمنین و

فاطمه (علیهما السلام) در قرآن و احادیث

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ۱۲.....علی (علیه السلام) و قرآن
- ۱۶.....حبّ علی (علیه السلام) رهایی از جهنم است
- ۱۸.....جواز عبور از صراط
- ۲۰.....دوستی علی (علیه السلام) برائت از آتش
- ۲۹.....علی (علیه السلام) پرچم هدایت است
- ۳۷.....علی (علیه السلام) دارای علم کامل است
- ۴۲.....علی (علیه السلام) باب شهر علم است
- ۴۴.....اوّل کسی که ایمان آورد
- ۴۶.....علی (علیه السلام) قسیم بهشت و جهنم است
- ۵۱.....علی (علیه السلام) حجّت خدا بر بندگان خداست ...

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۵

- ۵۳..... علی (علیه السلام) خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)
- ۵۵..... روایتی از عمر بن خطاب
- ۵۸..... داناترین فرد
- ۵۹..... علی (علیه السلام) امیر و ولی شماس است
- ۶۵..... دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چرا فاطمه نامیده شد؟
- ۶۶..... زهرا (علیها السلام) چرا نام «بتول» گرفت؟
- ۶۶..... فاطمه (علیها السلام) سیده زنان دو جهان
- ۶۷..... بهترین زنان بهشت
- ۶۸..... دوستدارترین فرد به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)
- ۷۰..... پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)

۶ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

شبيه ترين فرد به رسول خدا (صلى الله عليه وآله

وسلم).....۷۲

غضب فاطمه (عليها السلام) واسطه در غضب خدا ۷۴

کسی که خدا او را برگزید.....۷۴

بخشش فدک.....۷۶

حوریه ای در میان انسانها.....۷۷

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۷

به طور اجمال، به سیمای اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن و احادیث اشاره کردیم. دو چهره درخشان و دو فرد شاخص از اهل بیت (علیهم السلام) امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب و فاطمه (علیهما السلام) هستند که مصداق ظاهر و آشکار آیات و احادیث بطلنی شده در دو قسمت قبلی می باشند.

به لحاظ اهمیت مسأله امامت و ولایت، به بیان آیات و احادیثی که در خصوص فضایل و مقام بلند آنها در نزد خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد شده، می پردازیم. تا بر مصداق رهبری الهی که دو برهان معرفت و عبودیت بیانگر آن بودند، تأکید بیشتری کرده باشیم؛ و نیز تأییدی باشد بر این

۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

طرز تفکر که می‌گوئیم: خدا و رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله وسلم) امت اسلام را در مسأله امامت و خلافت به خودشان وا نگذاشته و بیش از هر مسأله دیگری به آن تأکید داشته‌اند.

در این جا لازم است پیش از پرداختن به اصل مطلب، اشاره‌ای داشته باشیم به کتاب‌های مختلفی که از سوی اهل تشیع و تسنن در رابطه با فضایل و مناقب حضرت علی (علیه‌السلام) تألیف شده است.

۱- مناقب علی بن ابی‌طالب ؛ از احمد بن

محمد الطبری، مشهور به خلیلی که در سال ۴۱۱ هجری قمری در قاهره تألیف یافته است.

۲- مناقب علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)؛ از

احمد بن حنبل، امام و پیشوای حنبله.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۹

۳- مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ از
علی بن محمد الفقیه الشافعی، متوفی سال ۴۸۳،
معروف به ابن مغزلی.

۴- مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ از
محمد بن احمد العجمی، سال ۱۰۵۵

۵- مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ از
ابی الفرج عبدالرحمن بن الجوزی، متوفی سال ۵۹۷

۶- مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ از
فقیر عینی که در هند به طبع رسیده است.

۷- مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ از
ترمذی.^۱

۱۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

۸- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات

النازله فی أهل البيت (علیهم السلام)؛ - تألیف الحافظ
الکبیر عبیدالله بن عبداللہ بن احمد المعروف بالحاکم
الحسکانی الحداد الحنفی النیسابوری، از علمای قرن
پنجم هجری.

۹- ترجمه الامام علی بن ابی طالب ؛ تصنیف

العالم الحافظ ابی القاسم علی بن الحسن بن هبة اللہ
الشافعی، المعروف بابن عساکر (۳جلد)

۱۰- المناقب، تألیف الموفق بن احمد بن

محمد المکی الخوارزمی، المتوفی سنه ۵۶۸ هـ

۱۱- «فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و

البتول و السبطین و الأئمة من ذریّتهم (علیهم السلام)»

تألیف: شرح الاسلام المحدث الکبیر ابراهیم بن محمد

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۱۱

بن المؤید بن عبدالله بن علی بن محمد الجوینی
الخراسانی؛ از علمای قرن هفتم و هشتم هجری.

۱۲- احقاق الحق، تألیف القاضی السید نورالله

الحسینی المرعشی اتهستری الشهید، که احادیث
منقول از کتب اهل سنت رابه تفضیل بیان داشته است
وج ۳ الی ۸ آن به فضائل امیرالمؤمنین علی
(علیه السلام) اختصاص دارد.

۱۳- فضایل الخمسه، تألیف سیدمرتضی

حسینی فیروزآبادی، این کتاب نیز احادیث نقل شده
در کتاب های اهل سنت در فضائل اهل بیت را
جمع آوری کرده است وج ۲ و ۳ آن به فضائل
حضرت علی (علیه السلام) اختصاص دارد.

۱۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

۱۴- غایه المرام، تألیف علامه بحرانی، که

احادیث نقل شده از اهل سنت و شیعه در فضائل
اهل بخت (علیهم السلام) را جمع آوری نموده است.

علی (علیه السلام) و قرآن

شهر بن حوشب گفت: نزد ام سلمه بودم که ابوثابت
غلام آزاد شده امیرالمؤمنین (علیه السلام) از ام سلمه
اجازه گرفت و داخل خانه شد. ام سلمه گفت: ای
اباثابت! آن هنگام که قلبها به جایگاهشان به پرواز
درآیند، قلب تو به کجا پرواز می کند؟ گفت: از
علی (علیه السلام) پیروی می کنم. ام سلمه گفت: به
اطاعت از حق توفیق یافته ای؛ قسم به خدایی که
جانم در دست اوست، از رسول خدا (صلی الله علیه
وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: «علی با قرآن است و

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۱۳

قرآن با علی؛ این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند
تا در کنار حوض بر من وارد شوند.»^۱
رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله وسلم) در موارد
متعددی از جمله در حال بیماری که به فوت منجر

۱. الحموینی بسنده عن شهر بن حوشب، قال : كنت عند ام سلمه -
رضی الله عنها- فباذنها دخل البيت ابو ثابت مولى علی. فقالت: يا ابا
ثابت! اين طار قلبك حين طارت القلوب مطائرها؟ قال : اتبعْتُ علیاً .
قال: وقفت بالحق والذي نفسی بیده لقد سمعت رسول الله (صلی الله
عليه وآله وسلم) يقول: «علی مع القرءان و القرءان مع علی و لن یفترقا
حتى یردا علیّ الحوض»؛ ینایع المودة، ص ۹۰
این روایت را با تفاوتی علی بن عیسی الاربلی در «کشف الغمه»، ج ۱،
ص ۱۹۹، از مناقب امام ابی المؤید الخوارزمی نقل کرده است. علاوه
بر این، در غایة المرام (صص ۵۴۰-۵۳۹) از طریق اهل سنت، ۱۵
حدیث و از طریق شیعه یازده حدیث، به همین مضمون نقل شده
است.

۱۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

شد، فرمود: «ای مردم! به زودی از میان شما می روم... آگاه باشید؛ به راستی، من در میان شما قرآن و عترت و اهل بیتم را جانشین قرار می دهم.» سپس دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) را گرفته، بلند کرده و فرمودند: «این علی (علیه السلام) با قرآن است و قرآن با علی است. از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. پس، (مسائل و مشکلات را) از آن دو سؤال کنید (و راه حل بخواهید).»^۱

۱. (الصواعق المحرمة، ص ۷۵) قال: وفي رواية أنه (صلى الله عليه وآله وسلم) قال في مرض موته: «ايها الناس، يوشك أن أقبض قبضاً سريعاً فينطلق بي وقد قدمت اليكم القول معذرة اليكم؛ الا اني مخلف فيكم كتاب ربي عزوجل وعترتي اهل بيتي.» ثم أخذ بيد علي (عليه السلام) فرفضها. فقال: «هذا علي مع القراءان و القراءان مع

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۱۵

نظر به علی (علیه السلام) عبادت است

ابن مسعود گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «نظر و نگاه به علی (علیه السلام) عبادت است»^۴.

طلق بن محمد گفت: عمران بن حصین را دیدم که با تأمل به علی (علیه السلام) نگاه می کرد. در این مورد از او سؤال شد. گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: «نظر به علی بن ابی طالب (علیه السلام) عبادت است»^۱.

علی لا یفترقان حتی یردا علی الحوض فاسألوهما ما خلفت فیها «؛ فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۱۱۳.

۱. وفي جمع الفوائد، عن طلق بن محمد، قال : رأیت عمران بن حصین یحدّ النظر الی علی. فقیل له، فقال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) یقول: «النظر الی علیّ عبادة»؛ ینایع المودة،

۱۶ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

حبّ علی (علیه السلام) رهایی از جهنم است

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «ای علی! اگر امت من آن قدر روزه بگیرند که مانند کمان (خمیده) شوند؛ و آن قدر نماز بگذارند که چون زه کمان (لاغر) شوند؛ ولی دشمن تو باشند، خدای متعال آنها را با صورت در جهنم خواهد انداخت.»^۱

ص ۹۰؛ فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۱۱۴، به نقل از الهیثمی فی مجمعه، ج ۹، ص ۱۱۹؛ احقاق الحق، ج ۷، از ص ۸۹ تا ۱۱۰؛ در فضائل الخمسه ج ۲، ص ۱۱۳ و احادیثی در این زمینه از صحیحین، کنز العمال، تاریخ بغداد، الرياض النضرة و ... نگاشته است، و در این رابطه، از طریق اهل سنت ۲۳ حدیث و از طریق شیعه ۱۰۰ حدیث در غایة المرام، صص ۹۲۷-۹۲۵ نقل شده است.

۱. الحافظ السمعانی فی «الرسالة القوامیه فی مناقب الصحابه» (مخلوط) روی باسناده عن جابر بن عبدالله انصاری - رضی الله عنهما - قال: کان رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) بعرفات، فقال:

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۱۷

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله

وسلم) فرمود: «اگر مردم بر دوستی علی بن

ابی طالب (علیه السلام) متحد می‌شدند، خدا جهنم را

نمی‌آفرید.»^۱

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به

علی (علیه السلام) فرمود: «دوستی تو ایمان و دشمنی

با تو نفاق است؛ و اوّل کسی که وارد بهشت می‌شود،

«... یا علی، لو أنّ أمّتی صاموا حتی یكونوا کالحنایا و صلوا حتی کانوا

کالواتار ثم انبضوک لا کبهم الله علی وجوههم فی النار»؛ احقاق

الحق، ج ۷، صص ۱۸۳-۱۸۰.

۱. موفق بن أحمد، بسنده عن طاووس، عن ابن عباس، قال :

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «لو اجتمع الناس علی حب

علی بن ابی طالب، لما خلق الله عزوجل النار»؛ ینابیع المودة،

ص ۹۱؛ کشف الغمة، ج ۱. ص ۱۳۲؛ احقاق الحق ج ۷، ص ۱۴۹ تا

۱۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

دوستدار تو؛ و اوّل کسی که وارد جهنم می شود، دشمن توست؛ و خداوند تو را برای این امر اهلّیت داده است . پس، تو از من و من از تو هستم ؛ و پیامبری بعد از من نیست (من آخرین پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هستم).^۱

جواز عبور از صراط

قیس بن حازم گفت : ابوبکر، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را ملاقات کرد و با حالت تبسم نظر به چهره علی (علیه السلام) انداخت .

۱. و من کتاب ابن خالویه، عن ابی سعید قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) لعلی (علیه السلام): «حبّك إيمان و بغضك نفاق و أوّل من یدخل الجنة محبّك و اول من یدخل النار مبغضك و قد جعلك الله أهلاً لذلك، فأنت منی و انا منك و لا تبّی بعدی»؛ كشف الغمه، ج ۱، ص ۱۲۱.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۱۹

حضرت (رضی الله عنه) (علیه السلام) به او فرمود :
تبسم تو برای چیست؟ گفت : رسول خدا (صلی الله
علیه وآله وسلم) می فرمود: «احدی از صراط عبور
نمی کند جز کسی که از علی (علیه السلام) جواز عبور
داشته باشد.»^۱

۱. (الریاض النضره، ج ۲، ص ۱۷۷) قال: عن قیس بن حازم، قال :
التقی ابو بکر علی بن ابی طالب (علیه السلام) فتبسم أبو بکر یقول: «لا
یجوز أحدٌ علی الصراط الا من کتب له علی (علیه السلام) الجواز»
قال: خرجه ابن السمان فی الموافقة. فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۰۴;
این حدیث در احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۱۵ تا ۱۲۱ و از طرق مختلف
در کتب اهل سنت نقل شده است.

۲۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

دوستی علی (علیه السلام) براءت از آتش

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «دوستی علی (علیه السلام) براءت از آتش است.»^۱

(نیز رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم))

فرمود: «دوستی علی (صلی الله علیه وآله وسلم) گناهان را می خورد، آن چنانکه آتش، هیزم را.»^۲

عمر بن خطاب گفت: رسول خدا (صلی الله علیه

وآله وسلم) فرمود: «اگر مردم بر دوستی علی بن

۱. ابن عباس - رضی الله عنه - رفعه: «حَبَّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ»؛

ینابیع المودة، ص ۲۵۱.

۲. ابن عباس - رضی الله عنه - رفعه: «حَبَّ عَلِيٍّ يَأْكُلُ الذَّنُوبَ كَمَا

تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»؛ ینابیع المودة، ص ۲۵۱

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۲۱

ابی طالب اجتماع می کردند، خداوند جهنم
رانمی آفرید.»^۱

حبّ علی (علیه السلام) حبّ خدا و

رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) است

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله

وسلم) مرا در پی علی (علیه السلام) فرستاد. وقتی علی

(علیه السلام) به محضر آن حضرت (صلی الله علیه

وآله وسلم) آمد، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به

او فرمود: «تو در دنیا و آخرت آقا و بزرگ هستی .

کسی که تو را دوست بدارد، مرابه دوستی گرفته ؛

و دوست تو دوست من است و دوست من دوست

۱. عمر بن خطاب رفعه : «لو اجتمع الناس علی حبّ علی بن ابی

طالب لما خلق الله النار»؛ ینابیع المودة، ص ۲۵۱.

۲۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

خداست. دشمن تو دشمن من و دشمن من، خصم
خداست. خوشابه حال کسی که تو را دوست بدارد ؛
وای بر کسی که بغض تو را بردل داشته باشد.»^۱
ابن رافع گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله
وسلم) در شأن علی (علیه السلام) فرمود: «کسی که
علی (علیه السلام) را دشمن بدارد، مرا به دشمنی
گرفته و کسی که مرا به دشمنی بگیرد، خدا را به

۱. و فی مسند احمد، بسنده عن الزهری، عن ابن عباس (رض) قال :
بعثنی رسول اللہ (صلی الله علیه وآله وسلم) الی علی، فجاء. فقال له :
«أنت سید فی الدنیا و سید فی الآخرة، من أحبک فقد أحببتنی و حبیبک
حبیبی و حبیبی حبیب اللہ و عدوک عدوی و عدوی عدو اللہ، طوبی
لمن أحبک و الویل لمن أبغضک»؛ ینابیع المودة، ص ۹۱؛ کشف
الغمة، ج ۱، ص ۱۲۶؛ فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۰۰؛ به نقل از
مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۷.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۲۳

دشمنی گرفته؛ کسی که علی (علیه السلام) را محبوب خویش قرار دهد، مرابه دوستی گرفته و کسی که محبت مرا داشته باشد، خدا رابه دوستی بر گزیده است.»^۱

علی (علیه السلام) یاری کننده رسول

خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است

ابی هریره و ابی صالح و ابن عباس گفته اند و نیز امام صادق (علیه السلام) فرمود که آیه «أَیَّدُک

۱. جمع الفوائد عن ابی رافع قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فی شأن علی: «علی، من أبغضه فقد أبغضنی و من أبغضنی فقد أبغض الله و من أحبّه فقد أحبّنی و من أحبّنی فقد أحبّ الله»؛ ینابیع المودة، ص ۹۱؛ فضائل ال خسمه، ج ۲، ص ۲۰۴؛ به نقل از الهیثمی فی مجمعه، ج ۹، ص ۱۳۱.

۲۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

بنصره و بالمؤمنین»^۱ درباره علی (علیه السلام) نازل شد و در این مورد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «نوشته ای را بر عرش دیدم که چنین بود: «معبودی جز الله نیست و برای او شریک وجود ندارد. محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بنده و رسول من است، او رابه علی بن ابی طالب (علیه السلام) تأیید کردم و یاری نمودم.»^۲

۱. سوره انفال، آیه ۶۲.

۲. ابو نعیم الحافظ، بسنده عن ابی هریره، ایضاً عن ابی صالح، عن ابن عباس، ایضاً عن جعفر الصادق - رضی الله عنهم - فی قوله تعالی: «هو الذي أیدک بنصره و بالمؤمنین» قالوا نزلت فی علیّ؛ و ان رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قال: «رأیت مکتوباً علی العرش: لا إله إلا الله وحده لا شریک له محمد عبدي و رسولی، ایدته و نصرته بعلی بن ابی طالب». و روی عن انس بن مالک نحوه. ینابیع المودة، صص ۹۵ - ۹۴؛ احقاق الحق، ج ۶، صص ۱۳۹ تا ۱۵۲.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۲۵

ابی الحمراء گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «در سفر معراج مشاهده کردم که بر عرش نوشته شده بود: معبودی جز من نیست . محمد رسول خداست و او رابه علی تایید و یآوری کردم.»^۱

دوستدارترین خلق بعد پیامبر (صلی الله علیه

و آله وسلم) به علی (علیه السلام) است

انس بن مالک گفت: پرنده بریانی را برای پیامبر

هدیه آوردند . آن بزرگوار خوردن گوشت آن را

۱. وفي كتاب «الشفاء» روى ابن قانع القاضى، عن ابى الحمراء، قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «لما أُسرى بى الى السماء اذا على العرش مكتوب: لا إله إلا الله محمد رسول الله ايدته بعلى»؛ ينابيع المودة، صص ۹۵ - ۹۴، احقاق الحق، ج ۶، صص ۱۳۹ تا ۱۵۲.

۲۶ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

خوش داشتند. فرمود: «خدایا! دوستدارترین فرد از

خلقت، نزد خودت را برسان تا با من در خوردن این

مرغ شریک شود.» ... پس علی بن

ابی طالب (علیه السلام) آمد و طلب اجازه کرد تا بر

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد شود.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) صدای

علی (علیه السلام) را شنید و فرمود: «ای علی به جانب

من وارد شو.»^۱

^۱ منهم الفقیه، ابوالحسن، علی بن محمد الشافعی المعروف بابن المغازلی الواسطی، المتوفی سنة ۴۸۳ فی «مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام)» قال: ... عن انس بن مالک قال: اهدى الى رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) طير كان يعجبه أكله، فقال: «اللهم ايتني بأحب خلقك إليك يأكل من هذا الطير معي.» فجاء عليٌّ فاستأذن علي النبي (صلی الله علیه وآله وسلم) فقلت ما عليه آذن و كنت احب أن

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۲۷

وجوب اطاعت از علی (علیه السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :
«به راستی خدا اطاعت و پیروی از من را بر شما واجب
کرد و شما را از معصیت و نافرمانی ام نهی فرمود و نیز
طاعت و فرمانبری از علی (علیه السلام) را بعد از من
واجب کرد و شما را از معصیت و نافرمانی او نهی
فرمود. او وصی من است. او از من و من از او هستم .
محبت او ایمان و بغضش کفر است ؛ دوستدارش
دوستدار من است و هر که بغض او را داشته باشد،
بغض مرادارد؛ و او مولا و سرپرست کسی است که من

یکون رجلاً من الأنصار، فذهب ثم رجع . فقال : استأذن لی علی
النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) فسمع النبی (صلی الله علیه وآله
وسلم) فقال: «أدخل یا علی» ثم قال: «و الی»؛ احقاق الحق، ج ۵،
ص ۳۳۹.

۲۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

مولا و سرپرست اویم؛ و من سرپرست هر مرد وزن
مسلمان هستم و من و علی (علیه السلام) دو پدر این
امت هستیم.»^۱

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«حق علی بر مسلمانان چون حق پدر بر پسرش
می باشد.»^۱

۱. و فی «المناقب» عن علی بن الحسین، عن أبیه، عن جده
امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه
وآله وسلم) «إن الله قد فرض علیکم طاعتی و نهاکم عن معصیتی و
فرض علیکم طاعة علی بعدی و نهاکم عن معصیتیه و هو وصیی و
وارثی و هو منی و انامنہ; حبّه ایمان و بغضه کفر، محبه محبی و مبغضه
مبغضی و هو مولا من انا مولا و انا مولا کل مسلم و مسلمة و انا و هو
ابوا هذه الامة.» ینابیع المودة، ص ۱۲۳; در این مورد به فضائل
الخمسه، ج ۲، ص ۹۵ نیز رجوع شود.

علی (علیه السلام) پرچم هدایت است

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :
«به راستی خداوند متعال در مورد علی (علیه السلام)
بر من پیمانی قرار داد. به راستی علی (علیه السلام)
پرچم هدایت، پیشوای دوستان، خواهان من و نور و
روشنایی کسی است که مرا اطاعت و پیروی کند ؛ و
هم او کلمه ای است که متقین ملازم آن هستند...»^۲.

۱. أخرج موفق الخوارزمی، بثلاثة طریق عن جابر بن عبد الله، وعن
عمار بن ياسر و عن ابی ایوب الانصاری. قالوا: قال رسول الله (صلی
الله علیه وآله وسلم): «حَقُّ عَلِيٍّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى
وَلَدِهِ»؛ ينابيع المودة، ص ۱۲۳.

۲. أخرج ابو نعیم الحافظ، فی «حلیة اولیاء» بسنده عن ابی برزة
الأسلمی -رضی الله عنه- قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله
وسلم): «إن الله تعالی عهد الي فی عليّ عهداً إن علیاً رایة الهدی و
امام اولیائی و نور من أطاعني و هو الكلمة الّتی الزمتها المتقین ...»؛

۳۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

علی (علیه السلام) اکمال دین و اتمام نعمت

الهی است

«الیوم أكملت لكم دینکم و أتممت علیکم

نعمتی و رضیت لكم الإسلام دیناً»^۱.

امروز دینتان را کامل گردانده و نعمت خویش

را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد.

ابن هریره گفت : کسی که روز هجدهم ذی

الحجه را روزه بگیرد، روزه شصت ماه برای او نوشته

شود؛ و آن روز عید غدیر خم است؛ روزی که رسول

ینابیع المودة، ص ۱۳۴. اشاره به آیه ۲۶ سوره فتح است که

می فرماید: «فانزل الّٰه سکینة... و الزمهم کلمة التقوی».

۱. سوره مائده، آیه ۳.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۳۱

خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دست
علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: «آیا من
سرپرست و حاکم بر مؤمنین نیستم؟» حضار در پاسخ
گفتند: بلی، ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)!
پس فرمود: «هر کس که من مولا و آقا و سرپرست او
هستم، علی سرپرست اوست.» عمر بن خطاب گفت:
ای پسر ابی طالب! مبارک باد؛ مبارک باد. صبح کردی
در حالی که مولای من و هر مؤمن هستی؛ و خدا این
آیه را نازل فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت
علیکم نعمتی» امروز (به ولایت امیرالمؤمنین، علی بن
ابی طالب (علیه السلام) دین شما را کامل کرده و نعمت
را بر شما به اتمام رساندم».^۱

۱. عن ابی هریره، قال: من صام یوم ثمانية عشر من ذی الحجة کتب له

۳۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه (علیها السلام) در قرآن و احادیث

ابی سعید خدری گفت: به راستی پیامبر (صلی

الله علیه وآله وسلم) مردم را به جانب علی (علیه السلام) دعوت می کرد. پس دوبازوی او را گرفته، بلند کرد و مردم متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد: «امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم. پس رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «اللّه اکبر بر اکمال دین

صیام ستین شهراً و هو یوم غدیر خم. لما أخذ النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) بید علی، فقال: «ألست ولی المؤمنین؟» قالوا: بلی، یا رسول اللّه، فقال: «من كنت مولاه فعلى مولاه» فقال عمر بن الخطاب: بئحّ بئح لك یا بن أبی طالب، أصبحت مولای و مولا كل مؤمن! و أنزل اللّه: «ألیوم أكملت لكم دینکم»؛ شواهد التنزیل للحافظ الحسکانی، ج ۱، صص ۱۵۶ تا ۱۶۰.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۳۳

واتمام نعمت و خشنودی پروردگار به رسالت من و ولایت علی (علیه السلام)».

آن گاه به مردم فرمود: «کسی را که من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست اوست.»^۱
ولایت و اطاعت از علی (علیه السلام) در طول ولایت و اطاعت خدا و رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

۱. عن ابی سعید الخدری: انّ النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) دعا الناس الی علی فأخذ بضبعیه فرفعهما ثم لم یتفرقا حتی نزلت هذه الایة: «الیوم اکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی» فقال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «الله اکبر علی اکمال الدین و إتمام النعمة و رضا الرب برسالتی و الولاية لعلی». ثم قال للقوم: «من كنت مولاه فعلى مولاه»؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

«إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة وهم راكعون.»^۱؛ همانا ولی شما، خدا و رسولش و آنانی هستند که ایمان آورده و اقامه نماز می‌کنند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

ابن عباس گفت : «آیه «إنما وليكم الله ورسوله...» درباره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل شده است.»^۲

و نیز گفته است: «روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نماز ظهر را با اصحاب خواندند و متفرق شدند و کسی جز علی (علیه السلام) در مسجد

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲. شواهد التنزیل، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۶۱.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۳۵

باقی نماند. آن حضرت (علیه السلام) ایستاده بود و ما
بین ظهر و عصر نماز می خواند. در این هنگام فقیری از
فقرای مسلمین وارد مسجد شد و جز
علی (علیه السلام) کسی را در مسجد ندید، پس به
جانب او روی آورد و گفت: ای ولی خدا! به خدایی
که برای او نماز می گذاری از آنچه برایت امکان دارد
به من تصدق نما. آن حضرت (علیه السلام) انگشتر
عقیق سرخ یمنی داشت که برای نماز به انگشت
دست راست می کرد. دست (مبارک) را دراز کرده
بر پشت گذاشتند و به سائل اشاره کردند آن را درآورد.
سائل، انگشتر را بیرون آورد و دعا کرد و رفت، جبرئیل
بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرود آمد.
پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام)

۳۶ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

فرمود: خداوند امروز بوجود تو بر فرشتگان مباحثات کرد . بخوان : «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»^۱.

۱... عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، فی قول الله تعالى : «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...» «والذين امنوا» فخص من بين المؤمنين على بن ابي طالب . فقال: الذين يقيمون الصلوة... وذلك ان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) صلّ يوماً بأصحابه صلاة الظهر وانصرف هو وأصحابه فلم يبق في المسجد غير علي قائماً يصلي بين الظهر والعصر اذ دخل عليه فقير من فقراء المسلمين فلم يرفى المسجد احداً خلا علياً فاقبل نحوه . فقال: يا ولي الله! بالذي يصلى له ان تصدق علي بما امكنك . وله خاتم عقيق يمانى احمر كان يلبسه في الصلاة في يمينه فمدّ يده فوضعها على ظهره وأشار الى السائل ينزعه، فنزعه ودعاه و مضى . وهبط جبرئيل فقال النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) لعلي (عليه السلام): «لقد باهى الله بك ملائكته اليوم»؛ اقرأ: «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...»؛ شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۱۶۴؛ روايات متعدد دیگر در همین مورد از انس، از محمد بن حنفیه،

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۳۷

علی (علیه السلام) دارای علم کامل است

«قل کفی باللّٰه شهیداً بینی و بینکم ومن عنده علم
الکتاب»؛^۱ بگو، بین من و شما، گواهی خدا و کسی که
علم کتاب نزد اوست، کفایت می کند.

ابی سعید خدری - رضی الله عنه گفت : از

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در مورد آیه

«الذی عنده علم من الکتاب»^۲ سؤال کردم .

حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «(کسی که

از ابن جریر، از امام باقر (علیه السلام) وارد شده است . شواهد
التنزیل، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۶۶؛ و در «فضائل الخمسه»، ج ۲، ص
۱۳، احادیثی از کتب مختلف اهل سنت در این زمینه نگاشته شده
است.

۱. سوره رعد، آیه ۴۳.

۲. سوره نمل، آیه ۴۰.

۳۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

بعضی از کتاب پیش اوست)، وزیر برادرم سلیمان بن داود (علیهما السلام) بود.» و نیز از آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) پیرامون قول خدای - عزوجل - : «قل كفى باللّٰه شهيداً بينى وبينكم و من عنده علم الكتاب» سؤال کردم؛ فرمود: «(کسى که تمام علم کتاب نزد اوست)، برادرم على بن ابى طالب (عليه السلام) است.»^۱

۱. عن عطية العوفى، عن ابى سعيد الخدرى - رضى الله عنه - قال: سئلت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عن هذه الآية: «الذى عنده علم من الكتاب» قال: «ذاك وزير أخى سليمان بن داود (عليه السلام)» و سألته عن قول الله - عزوجل -: «قل كفى باللّٰه شهيداً بينى وبينكم و من عنده علم الكتاب» قال: «ذاك أخى على بن ابى طالب (عليه السلام)»؛ ينابيع، ص ۱۰۳.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۳۹

ابن عباس گفت : «من عنده علم الكتاب
علی (علیه السلام) است؛ به راستی او عالم به تفسیر
و تأویل و ناسخ و منسوخ بود.^۱

قیس بن سعد بن عباده گفت: «ومن عنده علم
الكتاب»، علی (علیه السلام) است.

معاویة بن ابی سفیان گفت : منظور عبداللّه بن
سلام است. سعد در پاسخ می گوید: درآیه «جزاین
نیست که تواندارکننده ای و برای هر قومی هدایت
کننده ای است» و آیه «آیا کسی که دارای بینه از جانب
پروردگارش هست و شاهی از خودش بر او می آید»،
«هدایت کننده» و «شاهد» امیرالمؤمنین (علیه السلام)

۱. و عن ابن عباس - رضی الله عنه - قال: «ومن عنده علم الكتاب»
انما هو علی لقد کان عالماً بالتفسیر و التأویل و الناسخ و المنسوخ .
ینابیع المودة، ص ۱۰۴.

٤٠ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

است، زیرا پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) او را در روز غدیر به مقام ولایت و جانشینی منصوب کرد و فرمود: «کسی که من مولا و سرپرست او هستم، علی مولا و سرپرست اوست.» و فرمود «یا علی! نسبت تو به من، همچون نسبت هارون به موسی (علیه السلام) است؛ جزاین که بعد از من پیامبری نیست. (تو پیامبر نیستی؛ ولی مقام ولایت و جانشینی و دیگر شروط امام را داری)». معاویه باشنیدن سخن قیس ساکت شد و قدرت رد آن را نداشت.^۱

۱. سلیم بن قیس الهمدانی فی کتابه، عن قیس بن سعد بن عباده قال: «و من عنده علم الكتاب، علی» قال معاویة بن ابی سفیان: هو عبد الله بن سلام. قال سعد: انزل الله: «إنما أنت منذر و لكل قوم هاد» و أنزل: «أفمن كان علی بینة من ربه و يتلوه شاهد منه» فالهادی من الایة الاولى و الشاهد من الثانية، علی. كانه نصبه (صلی الله علیه وآله

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۴۱

قیس بن عباد در پاسخ معاویه که گفت: «و من عنده علم الكتاب»، عبدالله بن سلام است، به آیه «انما أنت منذر و لكل قوم هاد»^۱ و آیه «أفمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه»^۲ که درباره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نازل شده است، تمسک می جوید. بدان جهت که می خواهد بب معاویه بفهماند، ای معاویه! آن کسی شایسته است مصداق روشن آیه «و من عنده علم الكتاب» باشد که شاهد و گواه بر رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و هادی امت باشد؛

وسلم) يوم الغدير وقال: «من كنت مولاه فعلي مولاه» وقال: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنني من بعدي».

۱. سوره رعد، آیه ۷.

۲. سوره هود، آیه ۱۷.

۴۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

و آن کس که گواه نبوت و هادی امت پس از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است، علی (علیه السلام) می باشد. علی که اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و باب شهر علم و حکمت رسول خداست؛ نه عبدالله بن سلام که یکی از احبار و بزرگان یهود بود و با ورود رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به مدینه، مسلمان شد.

علی (علیه السلام) باب شهر علم است

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

فرمود: «من شهر حکمت هستم و

علی (علیه السلام) در آن است. پس کسی که خواهان

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۴۳

ورود به شهر حکمت است، باید از در آن وارد
شود.»^۱

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله
وسلم) فرمود: «من شهر علمم و علی (علیه السلام) در
آن است. پس کسی که خواهان علم است باید از
درب شهر وارد شود.»^۲

۱. فی «مناقب» عبدالله الشافعی، ص ۱۲۴... عن مجاهد، عن ابن
عباس، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «أنا مدينة
الحكمة و علی بابها فمن أراد الحكمة فلیأت من بابها»؛ تاریخ بغداد،
ج ۱۱، ص ۲۰۴ به نقل از احقاق، ج ۵، صص ۵۰۲-۵۲۰؛ در
«فضائل الخمسة»، ج ۲، ص ۲۴۹ احادیث متعددی از کتب اهل
سنت در این زمینه وارد شده است

۲. فی «البدایة و النهایة»، ج ۷، ص ۳۵۸، عن ابن عباس قال: قال
رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «أنا مدينة العلم و علی بابها
فمن أراد العلم فلیأت باب المدينة»؛ احقاق، ج ۵، صص ۴۶۸-۵۰۱؛

۴۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه (علیها السلام) در قرآن و احادیث

اوّل کسی که ایمان آورد

معاذبن جبل گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود: «در هفت صفت بامردم احتجاج می کنی و هیچ یک از افراد قریش در این هفت صفت با تو محاجه نمی کند: تو اولین آنان در ایمان به خدا؛ با وفاترینشان در عهد و پیمان خدا؛ با استقامت ترین آنها در امر خدا؛ تقسیم کننده ترینشان به نحو تساوی؛ عادل ترین آنان در میان مردم و رعیت؛ و بیناترین آنها در قضاوت و بزرگترین شان نزد خدا در مزیت هستی.»^۱

فضائل الخمسه، ج ۲، ص ۲۵۰ به نقل از مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۲۶ و دیگر کتب.

۱. الرياض النضرة، ج ۲، ص ۱۹۸: عن معاذبن جبل قال قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) لعلی (علیه السلام): «تخصم

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۴۵

ابی لیلی الغفاری گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: به زودی بعد از من فتنه‌ای واقع می شود؛ وقتی آن فتنه پدید آمد، ملازم و همراه علی بن ابی طالب (علیه السلام) باشید. به راستی او اوّل کسی است که به من ایمان آورد و اول کسی است که روز قیامت با من مصافحه می کند؛

الناس بسبع ولا يحاجك احد من قریش: أنت أولهم ایماناً بالله، و أوفاهم بعهد الله و أقومهم بأمر الله و أقسمهم بالسوية و عدلهم فی الرعية و أبصرهم بالقضية، و أعظمهم عند الله مزية « (قال) أخرجه الحاكمی (أقول) و رواه أبو نعیم أيضاً في حلیته (ج ۱، ص ۶۶)؛ فضائل الخمسة، ج ۱، ص ۱۸۹.

٤٦ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

او صدیق اکبر و فاروق امت، یعسوب المؤمنین ؛ و مال، یعسوب منافقین می باشد.»^۱

علی (علیه السلام) قسیم بهشت و جهنم است

ابی سعید خدری گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «زمانی که روز قیامت برسد، خدای تعالی به محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و

^۱. (الاصابه، ج ۷، القسم الاول، ص ۱۶۷) قال وأخرج ابوأحمد وابن

مندة وغيرهما من طريق اسحاق بن بشر لأسدى، عن خالد بن الحارث، عن عوف، عن الحسن، عن أبي لیلی الغفاری، قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) يقول: «سیکون من بعدی فتنةٌ فاذا كان ذلك فالزمواعلی بن ابی طالب؛ فانه اول من آمن بی واول من یصافحنی یوم القیامة، و هو الصدیق الاکبر و هو فاروق هذه الامة و هو یعسوب المؤمنین، و المال یعسوب المنافقین»؛ فضائل الخمسه، ج ۱،

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۴۷

علی (علیه السلام) می فرماید: دوستانتان را وارد بهشت و دشمنانتان را وارد جهنم کنید . پس علی (علیه السلام) بر شفیق جهنم می نشیند و می فرماید: «این برای تو (جهنم) و این برای من» و این معنای قول خدای متعال است که: «هر کافر معاندی را (که به حق عناد می ورزد)، در جهنم بیافکنید.»^۱

ابن عمر گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به علی (علیه السلام) فرمود: «ای علی!

۱. ... عن ابی سعید الخدری، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «إذا كان يوم القيامة قال الله تعالى لمحمد و علی : ادخلا الجنة من أحبكما و ادخلا النار من أبغضكما فيجلس علی علی شفیق فيقول لها: هذا لي و هذا لك و هو قوله : «ألقياً في جهنم كل كفار عنيد» (سوره ق، آیه ۲۴); شواهد التنزیل، ج ۲، صص ۱۹۱-۱۹۰.

هنگامی که قیامت فرا رسد، تختی از نور برایت می آورند و بر سرت تاجی است که نورش درخشش دارد و چشمهای اهل محشر را خیره می کند. پس از جانب خدای -جل جلاله- ندا می رسد: وصی محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) کجاست؟ پس تو می گویی: بلی، منم؛ این جا هستم. پس منادی صدا می زند: دوستانت را وارد بهشت و دشمنانت را وارد جهنم کن؛ پس تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی.»^۱

۱. اخرج موفق بن احمد الخوارزمی الملکی بسنده عن نافع، عن ابن عمر، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) (لعلی (علیه السلام): «اذا كان يوم القيامة يؤتي بك يا علی سریر من نور و علی رأسك تاج قد أضاء نوره و كاد يخطف أبصار أهل الموقف فيأتي النداء من عند الله جل جلاله: این وصی مح مد رسول الله؟ فتقول: ها أناذا . فينادی المنادی أدخل من أحبك الجنة و أدخل من عاداك في النار

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۴۹

ابن مسعود گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «یا علی! به راستی تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی؛ تو در بهشت را می کوبی و دوستانت را بدون حساب وارد بهشت می کنی.»^۱

عامربن واثله - که آخرین شخص متوفی از صحابه است - از علی (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

فأنت قسیم الجنة و النار»؛ ینابیع المودة، صص ۸۴-۸۳؛ در فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۰۵ احادیثی در این مورد از اهل سنت ذکر شده است. همچنین ر.ک به: احقاق الحق، ج ۱۴، صص ۲۵۹.

۱. أخرج ابن المغازلی الشافعی بسنده عن ابن مسعود، قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «یا علی! إنک قسیم الجنة و النار و أنت تفرع باب الجنة و تدخلها أحبائك بغير حساب »؛ ینابیع المودة، ص ۸۴.

۵۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

«ای علی! تو وصی من هستی؛ جنگ با تو جنگ با من است؛ و صلح با تو، صلح با من. تو امام و پدر امامان هستی که یازده نفر بعد از تو هستند. امامانی که پاک و معصومند و از آنها مهدی (علیه السلام) است که زمین را پر از قسط و داد می کند. پس، وای بر دشمنان اینها. ای علی! اگر کسی تو و فرزندان را به خاطر خدا دوست بدارد، خداوند او را با تو و اولاد تو محشور می کند؛ و شما با من در درجات بلند (بهشت رضوان) هستید. تو تقسیم کننده بهشت و جهنمی، دوستانت را به بهشت و دشمنانت را به جهنم وارد می کنی.»^۱

۱. فی «المناقب» عن ابی الطفیل، عامر بن واثله و هو آخر من مات من الصحابة بالاتفاق، عن علی - رضی الله عنهما - قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «یا علی! أنت وصیی، حربک

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۵۱

علی (علیه السلام) حجّت خدا بر بندگان خداست
رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «من و
علی، حجت خدا بر بندگانست»^۱

حربی و سلمک سلمی و انت الإمام و ابو الأئمة الاحدى عشر الذين
هم المطهرون المعصومون و منهم المهدي الذي يملأ الأرض قسطاً و
عدلاً فويلٌ لمبغضيههم. يا على. لو أن رجلاً أحبك و اولادك في الله
لحشره الله معك و مع أولادك و أنت معي في الدرجات العلى و أنت
قسيم الجنة و النار تدخل محبيك الجنة و مبغضيك النار «؛ ينابيع
المودة، ص ۸۵.

۱. العلامة الشيخ زين الدين عبدالرؤوف المناوى، القاهرى، الشافعى،
متوفى ۱۰۳۱، فى كتابه «كنوز الحقايق» (ص ۴۶) قال : قال
رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «انا و على حجة الله على
عباده»؛ احقاق الحق، ج ۴، صص ۲۲۳-۲۱۹؛ فضائل الخمسة، ج ۲،
ص ۹۶؛ به نقل از كنوز الحقايق للمناوى، ص ۴۳.

۵۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

انس بن مالک گفت: من نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بودم؛ در این هنگام علی (علیه السلام) جلو آمد. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «من و این علی (علیه السلام) حجت خدا بر بندگان در قیامت هستیم.»^۱

حجت بودن در قیامت، فرع بر حجت بودن در دنیا است. اگر کسی در دنیا اطاعتش لازم باشد و در

^۱ العلامة المحدث العارف الشيخ جمال الدین، محمد بن أحمد الحنفی، الموصلی، الشهیر بابن حسویه، المتوفی سنة ۶۸۰ فی کتابه «بحر المناقب» (ص ۵۷، مخطوط) قال: و بالاسناد یرفعه الی أنس بن مالک قال: كنت عند رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) إذا أقبل علی (علیه السلام) فقال النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «أنا و هذا حجة الله علی عباده يوم القيامة»؛ احقاق الحق، ج ۴، صص ۲۲۰-۲۱۹؛ فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۹۶، به نقل از تاریخ بغداد.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۵۳

اندیشه و عمل، حجت و دلیل قرار گرفته باشد، در قیامت نیز حجت در حساب، جزا و پاداش خواهد بود؛ و الا حجت بودن در قیامت بدون حجت بودن در نیا معنا ندارد.

علی (علیه السلام) خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) (به علی (علیه السلام) در حالی که به او اشاره می کرد دستش را گرفته بود فرمود: «بعد از من، علی خلیفه من در میان شماست؛ پس، بشنوید (آنچه می گوید) و اطاعت کنید.»^۱

۱. العلامة فخرالدین عمرالرازی، المتوفی سنة ۶۰۶، فی «نهاية العقول» (علی ما فی مناقب الکاشی، ص ۱۹۵، مخطوط) قال : قال

۵۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :
«علی بن ابی طالب (علیه السلام) خلیفه خدا و خلیفه
من است؛ خلیل خدا و خلیل من ؛ حجت خدا و
حجت من است؛ باب (رحمت) خدا و باب من
است؛ منتخب خدا و منتخب من است؛ دوست خدا
و دوست من؛ شمشیر خدا و شمشیر من است؛ و هم
او برادر، مصاحب و وزیر من است . محبّ او محب
من؛ مبغض او مبغض من است؛ ولی او ولی من و
دشمن او دشمن من است؛ همسرش دختر من است؛
فرزند او فرزند من و گروه او گروه من است. گفته او

رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) لعلی مشیراً الیه و أخذ بیده :
«هذا خلیفتی فیکم من بعدی فاسمعوا له و اطیعوا».

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۵۵

گفته من و امر او امر من است؛ و هم او آقای اوصیا
و بهترین (فرد از) امت من است.»^۱

روایتی از عمر بن خطاب

عمر بن خطاب گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله
وسلم) وقتی که بین اصحاب عقد اخوت بستند

۱. أَلْفَقِيه ابوالحسن علی بن محمد الشافعی، المعروف به ابن
المغازلی الواسطی، المتوفی سنة ۴۸۳، فی «مناقب امیر المؤمنین»
(مخطوط) قال: روی باسناده عن الباقر (علیه السلام) عن أبیه، عن جده
الحسین بن علی بن ابی طالب، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه
وآله وسلم): «علی بن ابی طالب خلیفة الله و خلیفتی؛ و خلیل الله و
خلیلی؛ و حجة الله و حجتي؛ و باب الله و بابی؛ و صفی الله و صفیي؛
و حبيب الله و حبيبي و سيف الله و سيفي؛ و هو أخی و صاحبي و
وزيی. و محبة محبي؛ و مبغضه مبغضی؛ و وليه وليي؛ و عدوه عدوي؛
و زوجته ابنتي؛ و ولده ولدي؛ و حزه حزبي؛ و وقوله قولی؛ و أمره امری؛
و هو سيد الوصیین و خير أمتي»؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۹۷.

۵۶ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

فرمودند: «این علی است که برادر من در دنیا و آخرت است؛ خلیفه من در خاندان من و وصی من در میان امت من است؛ او وارث علم من و ادا کننده دین من است؛ دارایی او از من و دارایی من از اوست؛ سود او سود من و ضرر او ضرر من است. کسی که او را دوست بدارد، مرا به دوستی گرفته است و کسی که او را دشمن بدارد، مرا به دشمنی گرفته است.»^۱

۱. عمر بن الخطاب: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) (لَمَّا عقد المواخاة بين أصحابه، قال: «هذا علي أخي في الدنيا أو الآخرة؛ و خليفتي في أهلي؛ و وصيي في أمّتي؛ و وارث علمي؛ و قاضي ديني؛ و ماله مني و مالي منه؛ نفعه نفعي و ضرره ضري؛ من أحبّه فقد أحبّني و من أبغضه فقد أبغضني»؛ ينابيع المودة، ص ۲۵۱.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۵۷

عبداللّه بن مسعود گفت: در شب جن، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مرا به دنبال خودش فرا خواند؛ و من با او راه افتادم و رفتیم تا به نقطه بلند مکه رسیدیم... گفتم: ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)! آیا ابابکر را به جانشینی خود بر نمی‌گزینید؟ حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) روی از من گرداند، فهمیدم که موافق نیستند. پس، گفتم: ای رسول خدا! آیا عمر را خلیفه خود قرار نمی‌دهید؟ آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) دوباره از من روی گرداندند، دیدم که موافق نیستند. سؤال کردم: ای رسول خدا! آیا علی (علیه السلام) را به جانشینی بر نمی‌گزینید؟ فرمود: «او خلیفه من است؛ به خدایی که جز او معبودی نیست، اگر با او بیعت

۵۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

کنید و از وی اطاعت نمایید همه شما را به بهشت
وارد می‌کند.»^۱

داناترین فرد

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «عالمترین
(فرد از) امتم، بعد از من، علی بن
ابی طالب (علیه السلام) است.»^۱

۱. ما ذكره الهيثمي في مجمعہ (ج ۸، ص ۳۱۴) قال: وعن عبد الله بن مسعود، قال: استتبعني رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) ليلة الجن فانطلقت معه، حتى بلغنا اعلى مكة ... قلت: يا رسول الله؛ ألا تستخلف ابابكر؟ فاعرض عني، فرأيت أنه لم يوافقہ . فقلت: يا رسول الله! ألا تستخلف عمر؟ فاعرض عني، فرأيت أنه لم يوافقہ، فقلت: يا رسول الله! ألا تستخلف علياً؟ قال: «ذاك والذي لا اله إلا هو إن بايعتموه وأطعتموه أدخلكم الجنة اکتعين»؛ فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۲۱.

علی (علیه السلام) امیر و ولیّ شماست

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «اگر مردم می دانستند چه زمانی علی (علیه السلام) امیر المؤمنین نامیده شده است، فضل و برتری او را انکار نمی کردند. او امیر المؤمنین نامیده شد در حالی که آدم میان روح و جسد بود. خداوند فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی.

۱. ابو المؤید الموفق بن أحمد أخطب خوارزم المتوفی ۶۵۸، فی کتابه «المناقب» (ص ۴۹، ط تبریز) ... عن عبله بن عبدالله، عن سلمان (رض) عن النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) انه قال: «أعلم أمتي من بعدي علی بن ابی طالب (علیه السلام)»؛ احقاق الحق، ج ۴، ص

۶۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

پس خدای متعال فرمود: من پروردگار شما،

محمد پیامبر شما و علی امیر شماست»^۱.

ابو هریره گفت: از رسول خدا (صلی الله علیه

وآله وسلم) سؤال شد: در چه زمانی نبوت برای شما

لازم و قرار داده شد؟ فرمود: «پیش از آن که آدم

آفریده شود و روح در او دمیده گردد.» و فرمود: «و

آن زمانی که پروردگار تو از صلب بنی

فرزندانشان را برگرفت و آنها را گواه و شاهد بر

۱. العلامة المولی محمد صالح الکشفی الحنفی الترمذی فی کتابه
«المناقب المرتضویه» (ص ۱۰۲، ط بمبئی) قال: قال النبی (صلی الله

علیه وآله وسلم): «لو یعلم الناس متى سمى علی امیر المؤمنین ما
أنکروا فضله سمى بذلك و آدم بین الروح و الجسد، قال الله: ألسْتُ
بربکم؟ قالوا: بلی، فقال تعالی: «أنا ربکم و محمد نبیکم و علی
أمیرکم»؛ عن فردوس الأخبار؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۷۵.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۶۱

خودشان گرفت که آیا من پروردگار شما نیستم؟
گفتند: بلی. پس (خدای متعال) فرمود: «من پروردگار
بلند مرتبه شما و محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) (پيامبر شما و علی امیر شماست.»^۱

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: «ای علی! من شهر حکمت و تو در آن هستی؛ و هرگز به شهر نمی توان داخل شد مگر از درب آن؛ و دروغ گفت کسی که گمان برد مرا دوست دارد و حال این

۱. عن ابی هریره قال: قيل: یا رسول الله، متى وجبت لك النبوة؟ قال
النبي (صلی الله علیه وآله وسلم): «قبل أن يخلق الله آدم و نفخ الروح
فيه» و قال: «و إذ أخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و أشهدهم
علی أنفسهم ألسنت بریکم؟ قالوا: بلی، فقال: أنا ربکم الأعلى و محمد
نبيکم و علی أميرکم.» احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۷۶.

۶۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

که دشمن توست، زیرا تو از من و من از تو هستم ؛
گوشت تو گوشت من؛ خون تو، خون من؛ روح تو،
روح من؛ باطن تو از باطن من؛ و ظاهر تو از ظاهر
من است و تو امام امت من و جانشین من بر امت
پس از من هستی . کسی که تو را اطاعت کرد
سعادت‌مند شد و کسی که تو را نافرمانی کرد شقی و
بدبخت شد. سود برد کسی که تو را به دوستی
گرفت و زیانکار شد کسی که تو را به دشمنی گرفت
و کسی که ملازم تو شد رستگار گشت و کسی که از
تو جدا شد، هلاک گشت . مثل تو و مثل ائمه از
فرزندان بعد از من، مثل کشتی نوح است. کسی که
سوار شد نجات یافت و کسی که از آن دوری گزید
غرق شد؛ و مثل شما مثل ستارگان است . هرگاه

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۶۳

ستاره ای غروب کند، ستاره ای طلوع می کند تا روز
قیامت.»^۱

احادیث در مناقب و فضیلت امیرالمؤمنین، علی
بن ابی طالب (علیه السلام) در کتب شیعه و سنی بسیار

۱. العلامة الشيخ ابراهيم بن محمد بن ابی بكر حموية الحموي،
المتوفى ۷۲۲، فى كتابه «فوائد السمطين» مخطوط (باسناده) عن
سعيد بن جبیر، عن ابن عباس، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه
 وآله وسلم) لعلی بن ابی طالب (عليه السلام): «يا على! أنا مدينة
الحكمة وأنت بابها ولن تؤتي المدينة إلا من قبل الباب وكذب من
زعم أنه يحبني ويغضك، لأنك منى وأنا منك؛ لحمك من لحمي و
دمك من دمي وروحك من روحي وسريرتك من سريرتي وعلانيتك
من علانيتي وأنت امام أمتي وخليفتي عليها بعدي؛ سعد من أطاعك و
شقى من عصاك و ربح من تولاك و خسر من عاداك و فاز من لزمك و
هلك من فارقك. مثلك و مثل الائمة من ولدك بعدي مثل سفينة نوح ؛
من ركب فيها نجى و من تخلف عنها غرق و مثلكم مثل النجوم كلما
غاب نجم، طلع نجم إلى يوم القيامة»؛ احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۸۲.

۶۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

است و آنچه در این مقال آورده شد، نمونه ای بسیار کم و ناچیز بود.

آیا می توان از کنار این همه حدیث، چشم

بسته و بی تفاوت گذشت؟ و آیا این همه عناوین را

که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی

(علیه السلام) داده، می توان فقط بر شدت

دوستی و محبتی کرد که آن حضرت (صلی الله علیه

وآله وسلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داشت؟ آیا

با وجود این احادیث می توان گفت: رسول خدا (صلی

الله علیه وآله وسلم) در امر خلافت بعد از خود

سکوت اختیار کرده است؟!

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۶۵

در پایان این مقال، به بیان احادیثی چند
در فضیلت فاطمه زهرا (علیها السلام) می پردازیم.^۱
**دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) چرا فاطمه
نامیده شد؟**

سلمان - رضی الله عنه می گوید: رسول
خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:
«دخترم، «فاطمه» نامیده شده، زیرا خدای متعال
او و دوستانش را از آتش جهنم باز داشته است (جدا
ساخته است).»^۲

۱. احقاق الحق، ج ۱۰، قسمت اعظم آن اختصاص به احادیثی راجع
به فاطمه زهرا (علیها السلام) دارد.

۲. عن سلمان - رضی الله عنه - قال: قال رسول الله (صلی الله علیه
وآله وسلم): «انما سمیت ابنتی فاطمه لأن الله - عزوجل - فطمها و

۶۶ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

زهرا(علیها السلام) چرا نام «بتول» گرفت؟

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :
فاطمه(علیها السلام) «بتول» نامیده شده است، زیرا از
حیض و نفاس پاک بود.^۱

فاطمه(علیها السلام) سیده زنان دو جهان

عایشه گفت: پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) (در
هنگام بیماری که به فوت آن حضرت(صلی الله علیه
وآله وسلم) منتهی شد) فرمود: «ای فاطمه! آیا
خوشحال نیستی از این که سیده زنان دو جهان باشی

فطم محببها من النار»؛ ینابیع المودة، ص ۲۴۰؛ فضائل الخمسه، ج

۳، ص ۱۲۶؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۹

۱. عن رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم): «وإنما سمیت فاطمه

البتول لأنها تبّلت من الحيض و النفاس»؛ ینابیع المودة، ص ۲۶۰.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۶۷

و سیده زنان این امت و سیده زنان مردم با ایمان
باشی؟»^۱.

بهترین زنان بهشت

ابن عباس از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) (روایت کرده که: «فاطمه (علیها السلام) بهترین زنان
اهل بهشت است.»^۲

۱. الحاکم ابو عبدالله النیسابوری فی «المستدرک» (ج ۳، ص ۱۵۶)
قال: زکریا بن ابی زائد، عن فراس، عن الشعبي، عن مسروق، عن
عائشه أن النبي (صلی الله علیه وآله وسلم) قال- و هو فی مرضه الذي
توفى فيه-: «يا فاطمة! ألا ترضين أن تكوني سيدة نساء العالمين و
سيدة نساء هذه الامة و سيدة نساء المؤمنين؟» احقاق الحق، ج ۱۰،
ص ۳۰؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۳۷، به نقل از صحيح البخارى.
۲. الحافظ ابوبكر، احمد بن حسين البيهقي، فى «الاعتقاد» (ص
۱۶۵) روى عن ابن عباس قوله (صلی الله علیه وآله وسلم): «أفضل
نساء اهل الجنة فاطمة بنت محمد...»؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۵۳.

۶۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«فرشته ای که قبل از این نازل نشده بود، به نزد من آمده و سلام کرد و مرابشارت داد به این که: حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت هستند و فاطمه (علیها السلام) سیده و بانوی بانوان اهل بهشت است.»^۱

دوستدارترین فرد به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

عمر بر فاطمه (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد شد و گفت: «ای فاطمه! به

۱. «أتاني ملك فسلم عليّ، نزل من السماء لم ينزل قبلها فبشّرتني أن الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة وأنّ فاطمة سيّدة نساء أهل الجنة» كنز العمال، ج ۱۲، صص ۱۰۸-۱۰۷، شماره ۳۴۲۱۷.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۶۹

خدا سوگند کسی را جز تو نزد رسول خدا دوست
داشتمی تر ندیدم...»^۱.

علی (علیه السلام) سؤال نمود: «ای رسول خدا!
کدام فرد از اهل بیت شما، مورد علاقه بیشتر
شماست؟» فرمود: «فاطمه».^۲

۱. الحاکم النیسابوری فی «المستدرک» (ج ۳، ص ۱۵۵، طبع
حیدرآباد الدکن) قال: ... عن عمر أنه دخل علی فاطمة بنت
رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فقال: «يا فاطمة! والله ما رأيت
احداً أحبُّ إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) منك...» احقاق
الحق، ج ۱۰، ص ۱۷۱.

۲. علامه ذهبی فی «تاریخ الاسلام» (ج ۲، ص ۳۵۶، ط مصر) قال:
ابو عوانه، عن عمر بن ابی سلمه، عن أبیه، أخبرني اسامة بن زيد، أن
علياً قال: «يا رسول الله! أيُّ أهلك أحب إليك؟» قال: «فاطمة (عليها
السلام)»؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۷۹.

۷۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)
رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «فاطمه
پاره ای از من است؛ و کسی که او را آشفته و پریشان
کند مرا آشفته کرده؛ و کسی که او را آزار دهد مرا
آزرده است.»^۱

و نیز فرمود: «فاطمه، پاره تن من است . کسی
که او را آزار دهد مرا آزار داده و کسی که او را به
غضب آورد، مرا به غضب آورده است.»^۲

۱. العلامة الباقر مافی فی «اخبار الاول» (ص ۴۲، طبع بغداد) قال :
قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) لفاطمة (علیها السلام) :
«إنها بضعةٌ منی یریبنی ما یریبها و یؤذینی ما یؤذیها»؛ احقاق الحق، ج
۱۰، ص ۱۹۲؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۲، شماره ۳۴۲۴۳
۲. العلامة الهروی فی «روضۃ الاحباب» (ص ۶۵۵، مخطوط) قال: و
قد صحَّ عن النبی (صلی الله علیه وآله وسلم): «فاطمة بضعةٌ منی من

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۷۱

از مجاهد روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دست فاطمه (علیها السلام) را گرفته، فرمود: «کسی که او را می شناسد، پس او را شناخته است؛ و کسی که او را نمی شناسد، او فاطمه (علیها السلام) دختر محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است و این پاره ای از من است و این قلب من و روح من است که بین دو پهلوی من است. پس، کسی که او را آزار دهد مرا آزار داده و کسی که مرا آزار دهد، خدا را آزار داده است.»^۱

اذاها فقد اذاني و من أغضبها فقد أغضبني «؛ احقاق الحق، ج ۱۰؛ نیز فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۵۱.

۱. نورالدین بن الصباغ المالکی فی «الفصول المهمه» قال: و روی عن مجاهد، قال: خرج النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) و هو اخذ بيد فاطمه، فقال: «من عرف هذه فقد عرفها و من لم يعرفها فهي فاطمة

۷۲ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه (علیها السلام) در قرآن و احادیث

شبیبه ترین فرد به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) عایشه گفت: «جز فاطمه (علیها السلام) کسی را ندیدم که از حیث کلام و سخن شبیه ترین فرد به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد و چنین بود که وقتی بر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وارد می شد، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به او خوش آمد می گفتند و از جا برخاسته و دست دخترشان زهرا (علیها السلام) را گرفته، می بوسیدند و در مکان خویش می نشاندند.»^۱

بنت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و هی بضعة منی و هی قلبی و روحی التي بین جنبی، فمن اذاها فقد اذانی و من اذانی فقد اذی الله «؛ احقاق، ج ۱۰، صص ۲۱۶-۱۸۴.

۱. مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۵۴، روی بسنده عن... عائشة إنها قالت: «ما رأیت ا حداً کان أشبه کلاماً و حدیثاً من فاطمة

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۷۳

عایشہ گفت: «زنان پیامبر(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) اجتماع کردہ بودند و کسی از آنها غایب نبود . فاطمہ(علیہا السلام) وارد شد . اوبہ گونه ای گام برمی داشت کہ گویا رسول خدا(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) گام برمی دارد. پس رسول خدا(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) فرمود : «مرحبابه دخترم» پس اورا درطرف راست یاچپ خویش می نشانند.»^۱

برسول اللہ(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) و کانت اذا دخلت علیہ رحّب بها وقام الیہا فأخذ بیدها فقبلها وأجلسها فی مجلسه «؛ فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۷.

۱. صحیح مسلم فی کتاب «فضائل الصحابه» فی باب فضائل فاطمہ(علیہا السلام) روی بسندہ عن عائشہ، قالت : اجتمع نساء النبی(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) فلم یغدر منهنّ امرأۃ فجاءت فاطمہ تمشی کأنّ مشیتها مشیۃ رسول اللہ(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم)، فقال :

۷۴ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

غضب فاطمه (علیها السلام) واسطه در غضب خدا
امام علی (علیه السلام) فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به فاطمه (علیها السلام) فرمود: «خدا به غضب تو غضب می‌کند و به رضای تو راضی می‌گردد.»^۱

کسی که خدا او را برگزید

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «شبی که به سوی آسمان بالا برده شدم،

«مرحباً بابتی» فأجلسها عن يمينه أو عن شماله ؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۲۸.

۱. مستدرک الصحيحین، ج ۳، ص ۱۵۳ روی بسنده عن علی (علیه السلام) قال: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) لفاطمة: «إنَّ الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۵۵؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۷۵

بر دربهشت نوشته‌ای را دیدم که در آن نوشته شده بود:
جز الله معبودی نیست؛ محمد (صلی الله علیه وآله
وسلم) رسول خدا؛ علی (علیه السلام) محبوب خدا؛
وحسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) بنده
خالص و مخلص خدا؛ و فاطمه (علیها السلام)
برگزیده خداست. لعنت خدا بر دشمنان‌شان باد.^۱

۱. تاریخ بغداد، للخطیب البغدادی، ج ۱، ص ۲۵۹: روی بسنده عن ابن عباس، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) «ليلة عرج بی إلى السماء رأیت علی باب الجنة مكتوباً»: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله علی حبّ الله و الحسن و الحسين صفوة الله، فاطمة خيرة الله، علی باغضهم لعنة الله»؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۴۸.

بخشش فدک

ابن سعید خدری گفت : وقتی آیه «وَأْتِ ذَاقِرْبِیْ حَقَّهُ»^۱ نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمه (علیها السلام) را فرا خواند و فدک را به ایشان اعطا فرمود.^۲

۱. سوره اسراء، آیه ۲۶.

۲. السیوطی فی «درالمنثور» فی ذیل تفسیر قوله تعالی : «وَأْتِ ذَاقِرْبِیْ حَقَّهُ» فی سورة الاسرى، قال: وَاخْرَجَ ۲. السیوطی فی «درالمنثور» فی ذیل تفسیر قوله تعالی : «وَأْتِ ذَاقِرْبِیْ حَقَّهُ» فی سورة الاسرى، قال : وَاخْرَجَ البزار و أبویعلی و ابن ابی حاتم و ابی مردویه عن ابی سعید الخدری، قال : لما نزلت هذه الاية «وَأْتِ ذَاقِرْبِیْ حَقَّهُ» دعا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمة (علیها السلام) فاعطاها فدکاً.

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۷۷

ابن عباس گفت: وقتی آیه «واتِ ذالقربی حقه» نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فدک را به فاطمه (علیها السلام) بخشید.»

حوریه ای در میان انسانها

عایشه گفت: به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کردم: ای رسول خدا! چرا وقتی فاطمه

قال: و اخرج ابن مردویه عن ابن عباس قال: لما نزلت «واتِ ذالقربی حقه» أقطع رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمة (علیها السلام) فدکاً. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۳۶.

البزاري وأبو يعلى وابن أبي حاتم وأبو مردويه عن أبي سعيد الخدري، قال: لما نزلت هذه الآية «واتِ ذالقربی حقه» دعا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمة (علیها السلام) فاعطاها فدکاً.

قال: و اخرج ابن مردویه عن ابن عباس قال: لما نزلت «واتِ ذالقربی حقه» أقطع رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فاطمة (علیها السلام) فدکاً. فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۱۳۶.

۷۸ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

را ملاقات می کنید، می بوسید تا جایی که زبانتان را در دهان ایشان گذاشته گویا اراده دارید که به او عسل بچشانید؟ فرمود: «بلی، ای عایشه . به راستی وقتی به آسمان سیر داده شدم جبرئیل مرا وارد بهشت کرد و سیبی از بهشت بر من خورانید . آن سیب را خوردم و در صلبم به نطفه تبدیل شد. وقتی به زمین فرود آمدم، آن نطفه در رحم خدیجه قرار گرفت . پس فاطمه (علیها السلام) از آن نطفه است و او حوریه ای در میان انسانهاست. هر وقت اشتیاق به بهشت پیدا می کنم، زهرا(علیها السلام) را می بوسم.»^۱

۱. تاریخ بغداد، للخطیب البغدادی، ج ۵، ص ۸۷: روی بسنده عن عائشة، قالت: قلت: یا رسول الله، مالک اذا جاءت فاطمة قبلتها حتی تجعل لسانک فی فیها کلّه كأنک ترید أن تلحقها عسلاً؟ قال: «نعم، یا عایشة، إنی لما أسری بی إلى السماء أدخلنی جبرئیل الجنّة فناولنی

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۷۹

ابن عباس گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «دخترم فاطمه (علیها السلام) حوریه ای در میان آدمیان است.»^۱

و نیز فرمود: «دخترم فاطمه، حوریه ای در صورت آدمی است؛ حیض نمی شود و آلوده نمی گردد.»^۲

منها تفاحه فأكلتها فصارت نطفة في صلبی فلما نزلت واقعت خديجة، ففاطمة من تلك النطفة و هي حوراء إنسية كلما اشتقت الى الجنة قبلتها».

۱. تاریخ بغداد، ایض، ج ۱۲، ص ۳۳۱: روی بسنده عن ابن عباس، قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): «ابنتي فاطمة حوراء آدمية...»؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۲۴.
۲. «ابنتي فاطمة حوراء آدمية لم تحض ولم تطمث...»؛ كنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۹، شماره ۳۴۲۲۶.

۸۰ / سیمای امیرالمومنین و فاطمه علیها السلام در قرآن و احادیث

از احادیث مذکور در کتب اهل سنت - که اندکی از آن را نگاشتیم - چنین استفاده می شود که حضرت زهرا (علیها السلام) معیار حق است. رضایت او، رضایت خدا و غضب او غضب خداست. کسی که فاطمه (علیها السلام) بر او غضب کند، مغضوب خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) است؛ و به طور قطع و مسلم، آن کس که مورد خشم خدا قرار گیرد، از ارزش ساقط می شود.

فاطمه (علیها السلام) معیار شناخت ولایت و خلافت است. او در هر جانبی که قرار بگیرد، حق در همان طرف خواهد بود، زیرا او به صراحت حدیث، برگزیده خدا و راستگوترین افراد بعد از رسول

دوره دوازدهم، شماره پنجم / ۸۱

خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) است؛ و کسی است
که دوستانش به جهنم نمی روند.

پایان